

دیپلمات‌ها



محکومیت ادعاهای نشست
سران اروپا علیه ایران

سخنگوی وزارت امور خارجه ضمن رد ادعای فروش موشک بالستیک از سوی ایران به روسیه اظهار کرد: همانطور که قبلاً تصریح شده است، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای درگیری ضمن مخالفت با جنگ و تاکید بر ضرورت احترام به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی کشورها، خواستار راه حل دیپلماتیک جهت حل اختلافات روسیه و اوکراین بوده است. بقایای با تاکید بر حق مشروع جمهوری اسلامی ایران برای همکاری دفاعی و نظامی با کشورهای دیگر بر مبنای حقوق بین الملل جهت تامین و تقویت نیازهای دفاعی خود، مداخله شورای اروپا در این خصوص را ناروا و غیرقابل قبول دانست. بقایای همچنین با ابراز تاسف از توصیف واژگونه شورای اروپا از عملیات موشکی ایران به رژیم صهیونیستی - که به عنوان اقدامی دفاعی و مشروع در برابر تجاوزهای رژیم اسرائیل علیه حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی و نیز تعرض به اتباع و اهداف ایران انجام شد - تصریح کرد: عملیات وعده صادق ۲ همانند وعده صادق ۱ مطابق با ماده ۵۱ منشور ملل متحد و اقدامی مستولانه و منطقی برای حراست از صلح و امنیت منطقه بود.

ادامه از صفحه اول

وزیر امور خارجه افزود: در موضوعات منطقه‌ای و به خصوص تداوم جنایات رژیم صهیونیستی و رویکرد این رژیم برای گسترش جنگ در منطقه که مورد قبول هیچ طرفی در این منطقه هم نیست صحبت کردیم و هر دو کشور بر این باور هستیم که نسل کشی در غزه و جنایات در لبنان باید سریعاً متوقف شود و همه کشورهای اسلامی باید از تمام ظرفیت‌های خود جهت توقف اسرائیل استفاده کنند. منطقه بشکه بارت شده که این می‌تواند جهان را با مخاطره جدی مواجه کند و احتمال بروز جنگ همچنان جدی است و هیچ کس به غیر از رژیم صهیونیستی خواهان این مسئله نیست ولی ما آمادها هر سناریویی هستیم.

دیدار باردوغان

رئیس جمهور ترکیه در جریان دیدار با سیدعباس عراقچی، عزم جدی ترکیه برای تعمیق همکاری دو کشور را مورد تاکید قرار داد و حمایت خود را از روند گسترش روابط در همه عرصه‌ها به‌ویژه مناسبات اقتصادی و تجاری میان دو کشور و رفع برخی موانع موجود ابراز داشت. عراقچی تقویت تعاملات منطقه‌ای و گسترش روابط دوجانبه به‌ویژه در ابعاد تجاری، اقتصادی، گردشگری و مبارزه با تروریسم را مورد تاکید قرار داد و گفت: ایران ترکیه به عنوان دو همسایه بزرگ و تأثیرگذار در منطقه و جهان اسلام، ضمن اشتراک نظر در مورد تهدید جدی ناشی از تجاوزات و جنایات بی حد و مرز رژیم صهیونیستی بر امنیت و ثبات منطقه، بر ضرورت اقدام عاجل بین‌المللی جهت پایان دادن به کشتار بی گناهان، مهار جنگ‌افروزی و توقف نسل کشی رژیم در غزه و لبنان تأکید دارند. وزیر امور خارجه همچنین هماهنگی بین کشورهای مؤثر منطقه به خصوص ایران و ترکیه برای اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای اقدام‌های عاجل برای توقف ماشین جنگی رژیم اسرائیل را ضروری دانست. رئیس جمهور ترکیه همچنین عزم جدی ترکیه برای تعمیق همکاری دو کشور را مورد تاکید قرار داد و حمایت خود را از روند گسترش روابط در همه عرصه‌ها به‌ویژه مناسبات اقتصادی و تجاری میان دو کشور و رفع برخی موانع موجود ابراز داشت. سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه کشورمان که به منظور شرکت در اجلاس وزاری خارجه سازوکار همکاری منطقه ای ۳+۳ و دیدار رسمی با مقامات عالی‌رتبه ترکیه به استانبول سفر کرده بود، روز جمعه (۲۷ مهرماه) در قالب دوجانبه با آقای رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه دیدار و در خصوص روابط دوجانبه تهران و آنکارا و آخرین تحولات منطقه گفت و گو کرد.

این شعر شروع کرد:
من دل گر فدا شدیم چه باک

غرض اندر میان سلامت اوست

او گفت: «این فرصت اگر از کف برود، دیگر بازگشتی نیست و پشیمانی سودی ندارد.» نگو قرار شده که هر طور شده به کفایت مذاکرات رای نهایی بدهند. در این حال گنجه‌ای خودش را زده بود به مردن و داد و هوار. (اکثریت تباری کرده بودند که به کفایت مذاکرات رای بدهند. این دو یعنی معطلی و گنجه‌ای این خدمت بزرگ را در آن دم آخر کردند.) اگر اینها وارد شده بودند تعداد ۲۷ نفر برای رای گیری تکمیل می‌شد. بنابراین قرارداد تا آن شب آخر تصویب نشد. صبح پنجشنبه هم قرار شده بود که تا بعد از ظهر صحبت شود و بعد از ظهر صورت‌مجلس‌ها تصویب شود. بنابراین به مطلب افزودیم. این را بگویم که آقای مهندس خلیل طالقانی هم در تهیه مطلب کمک کرد (متاسفانه او با اینکه وزیر دکتر مصدق شد، بعدها نشان داد که صفا و صمیمیت مثل اینکه خدای نکرده در او نبود) فردا به مجلس آمدیم. مطلب مهمی مطرح نشد. فقط صورت‌مجلس‌ها را تصویب کردند و مجلس تمام شد. بنابراین قرارداد الحاقی به این ترتیب ماند. «

اینگونه پانزدهمین دوره مجلس بدون رای گیری در مورد موافقتنامه الحاقی به پایان رسید. این موافقتنامه مجدداً توسط علی منصور (منصورالملک)، نخست‌وزیر جدید به مجلس ارائه شد. اما سپس به کمیته ۱۸ نفره پارلمانی نفت به ریاست مصدق، که پنج نماینده جبهه ملی در آن عضویت داشتند، منتقل شد. در نتیجه اعتراضات به شرایط توافقنامه نخست‌وزیر بعدی حاج علی رزم‌آرا لایحه موافقتنامه را از مجلس پس گرفت. توافقنامه گس و گلشائیان هر چند مزایای مادی بیشتری را برای ایران در نظر گرفته بود اما مانند قرارداد ۱۹۲۲ صرفاً به سهم اندکی از درآمد گنجه‌ای نفت جنوب اکتفا داشت و نمی‌توانست برآوردکننده بندی که در ماده واحد ۹ مهر ۱۳۲۶ باشد که به دنبال احقاق حق ایران از امتیاز نفت جنوب بود. احقاق حق ایران می‌بایست می‌توانست مالکیت و حاکمیت ایران را اعاده کرده و سهم اصلی از سود حاصله از این منابع نفتی را نصیب ایران کند که در قرارداد ۱۹۲۲ و توافقنامه گس و گلشائیان چنین اتفاقی نیفتاده بود.

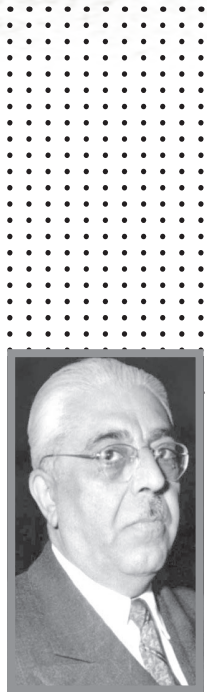
از جمله عوامل مخالفت نمایندگان مجلس و ملت ایران با لایحه الحاقی گس - گلشائیان، این بود که مسئله حاکمیت ملی مردم ایران، نادیده گرفته می‌شد. شرکت نفت از یک سو با نفوذ خود در امور سیاسی ایران، استقلال کشور را تهدید می‌کرد و از سوی دیگر به واسطه امتیازی که شرکت نفت از دولت ایران گرفته بود، چنان بر صنعت نفت کشور، احاطه و تسلط داشت که تمام عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از منابع نفتی ایران در کنترلش بود. شرکت نفت به مقام‌های ایرانی اجازه نمی‌داد به حساب‌هایش رسیدگی کنند و مبالغی را که می‌بایست به دولت ایران می‌پرداخت، یک‌طرفه اعلام می‌کرد. دولت انگلیس گمان می‌کرد که ایران بدون تکنولوژی بریتانیا، یک سرزمین عقب‌مانده خواهد بود و در نتیجه، نفوذ آن دولت در ایران، بی‌ضرر است؛ حتی معتقد بودند که مداخلات بی‌شمارشان در گذشته برای حمایت از ایران در مقابله با همسایه متجاوز روس در شمال کشور مفید بوده است. شرکت نفت در سال ۱۳۲۹ از فروش نفت ایران، سودی در حدود ۲۰۰ میلیون لیره به‌دست آورد می‌پرداخت؛ در حالی که سود شرکت فقط در آن سال پس از کسر سهم ایران، بیش از ۱۴ میلیون لیره بود؛ یعنی معادل کل مبلغی که شرکت، در طول نیم قرن به ایران پرداخته بود. سهم ایران، کمتر از مالیات‌هایی بود که شرکت نفت به دولت انگلیس می‌پرداخت. محمدرضا شاه نیز در کتاب خود، این‌گونه به این واقعیت اشاره می‌کند: «شرکت نفت به‌خوبی می‌دانست که حق‌السهمی را که شرکت‌های بزرگ غربی برای تحصیل امتیاز نفت از کشور عربستان سعودی و بعضی از کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی پذیرفته بودند از میزانی که در قراردادها با شرکت نفت معین شده، بسیار مساعدتر بود... همچنین به‌خوبی می‌دانست که ما از عمل شرکت که قسمت عمده درآمدی که از ایران به‌دست می‌آورد و در سایر نقاط دنیا صرف هزینه توسعه استخراج نفت می‌کرد، بسیار ناراضی هستیم.» با خروج موافقتنامه الحاقی، مجلس ایران از نظر سیاسی بین حزب توده طرفدار شوروی، جبهه ملی و هواداران دربار تقسیم شده بود. تنها چیزی که ائتلاف جبهه ملی را متحد می‌کرد، احساسات شدید ضدانگلیسی بود که در موضوع نفت تجلی پیدا می‌کرد. در فضای شدیداً ملی‌گرایانه و سیاسی که در ایران به وجود آمده بود، جبهه ملی در راستای ماده واحد مصوب ۹ مهر ۱۳۲۶ برای احقاق حق ایران از نفت جنوب پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را مطرح کرد. در این ماده واحد آمده بود: «به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تامین صلح جهانی پیشنهاد می‌نمایم که صنعت نفت در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود؛ یعنی عملیات اکتشافی، استخراجی و بهره‌برداری در دست ملت ایران قرار گیرد.» در ۲۴ اسفند ۱۳۳۰ به پیشنهاد کمیته ویژه نفت به ریاست دکتر مصدق، اصل ملی شدن صنعت نفت ایران به تصویب مجلس رسید و در ۲۹ اسفند مجلس سنا با تبعیت از مجلس، قانون ملی شدن را تصویب کرد.

چهل و پنج سال شرکت را در یک ستون بندی سال ۱۹۴۷ منعکس کرد. حزب ایران می‌خواست آن را منتشر کند ولی امکان و پولی در اختیار نداشت. من در آن زمان عضو این حزب و شاید از مؤسسان آن بودم. به هر حال من کار را به اینجا رساندم. در همین منزل یکی از روزها، بیست و یکم ماه رمضان بود، از رادیو شنیدیم که قرارداد الحاقی مورد تصویب دولت قرار گرفته و فردا در مجلس پانزدهم تصویب خواهد شد و این همان قراردادی است که به نام قرارداد «گس - گلشائیان» معروف بود. ما بسیار ناراحت شدیم که نتوانسته‌ایم بیلان را منتشر کنیم. عصر آن روز زیرک‌زاده به من تلفن زد که «آقای مکی که در قدیم عضو حزب ما بوده و الان نماینده مجلس است، می‌خواهد درباره نفت نطقی ایراد کند و شما هر چه از دستت برمی‌آید برای او انجام بده!» و من رفته مکی را دیدم. به او گفتم: «تو می‌توانی مثل رضوی یک نطق طولانی چند روز ایراد کنی و وقت مجلس را بگیری تا نتوانند قرارداد را تصویب کنند؟» (چند روز به پایان دوره مجلس مانده بود) مکی قبول کرد و من به او گفتم: «صحبت از تو مطلب از من.» این گوشه باغچه شهادت می‌دهد که مکی و حائری‌زاده و باقر مستوفی آمدند آنجا نشستند. شب در اینجا ماندیم و گزارشی در ۵۰ صفحه به مکی دادم. آنها رفتند که در مجلس شب بمانند و قرار شد که ساعت شش فردای آن روز من هم به مجلس بروم تا اگر اشکالی از نظر خط و نکته‌ای ناخوانا بود، برطرف کنم.

صبح بلند شدم و نماز خواندم و بعد از نماز لرز و وحشت عجیبی سرا گرفت. نگران شدم که خدایا عاقبت این موضوع چه می‌شود. از قرآن تفال زدم. آیه‌ای آمد که مرا امیدوار کرد و به من نیرویی فوق‌العاده داد. به مجلس رفتم. مکی و حائری‌زاده روبروی مجسمه آزادی در گوشه‌ای نشستند بودند، پشه‌ها بالا و پایین می‌رفتند و آنها با دست پشه‌ها را می‌گرفتند. من مجاری صبح خودم را گفتم. حائری‌زاده با لجه یزدی گفت: «آیه خوبیه، ان‌شاءالله عاقبتش خیر باشه» این نکته را هم بگویم که دکتر مصدق سه توصیه به مکی کرده بود:

- ۱- اتومبیل سوار نشو، می‌زند می‌کشند!
- ۲- در جایی مطمئن بخواب که بلایی سرت نیاید.
- ۳- در مجلس جایی نرو که در آن قابل قفل کردن باشد، چون در دوره‌های گذشته اتفاق افتاده بود. در قفل می‌کردند تا ناطق به سخنرانی نرسد. بعد هم رای می‌دادند و تمام می‌شد می‌رفت.

روز سه‌شنبه دکتر اعتبار که نماینده مجلس بود، به مکی گفت: «این نفت رگ حیاتی انگلستان است به تو نمی‌بخشد!» البته توضیح بدهم که این حرف را مکی روزی نقل کرد که دکتر مصدق و عده‌ای از جبهه ملی در مجلس دوره شانزدهم بست نشسته بودند. عده‌ای از بازاری‌ها به حمایت از آنها آمده بودند و در اتاقی جلسه سری تشکیل داده بودند. مکی نقل کرد که دکتر اعتبار به او گفته بود، همین قدر بگری که رای داده شود و صحبت را یک جایی قطع کن؛ وگرنه از تو نمی‌گذرند. اما اگر وقت بدهی مقام، وزارت، سفارت... این جریان در دوره پانزدهم اتفاق افتاده بود. این حرف را مکی در دوره شانزدهم در حضور همان عده نقل کرد این آقای حاج مانیان هم در آنجا حضور داشت. مکی می‌گفت دکتر اعتبار مرتب ساعت را نشان می‌داد و اشاره می‌کرد که «تمامش کن!» برای آنکه فردا عید فطر بود و پنجشنبه هم روز آخر مجلس. مرتب ساعت را نشان می‌داد. مکی گفته بود: «روح شهدای آزادی در اینجا دور می‌زند» و شعری هم از حافظ خوانده بود. خلاصه تسلیم دکتر اعتبار نشده بود. نطق مکی در آن مجلس از ساعت هشت روز شنبه تا ۱۲ شب سه‌شنبه (به طور منقطع) - که در حقیقت روز آخر مجلس به حساب می‌آمد، طول کشید. در ابتدای جلسه - خدا رحمتش کند - دکتر معظمی با رنگ پریده، لرزان و عصبانی بلند شد و با



عباسقلی گلشائیان، وزیر دارایی دولت هاشمی

در مذاکراتی که از
۲۴ بهمن ۱۳۲۷
آغاز شد، عباسقلی
گلشائیان وزیر
دارایی، بر الزام دولت
ایران به انطباق با
ماده واحد قانون
۹ مهر ۱۳۲۶ که
سیاست نفتی ایران
اکنون حول آن
می‌چرخد، تأکید
کرد. او خواستار تغییر
اساسی در روش‌های
پرداخت حق‌الامتیاز
شد. نخست‌وزیر،
محمدساعده
مراغه‌ای، خواستار
پذیرش فوری اصل
۵۰-۵۰ تقسیم سود
شد. گس نیز به
مقامات در لندن
هدشار داد که اگر
کاری برای
برآورده کردن
تقاضای ۵۰-۵۰
انجام نشود، ممکن
است مذاکرات به
بن‌بست ختم شود.
پیشنهاد لندن این
بود که راه حلی
ممکن است با تفکیک
منافع شرکت در
ایران از منافع آن
در جاهای دیگر از
طریق تشکیل یک
شرکت تابعه جدید
که فعالیت‌های آن
محدود به ایران و
مشمول تقسیم ۵۰-۵۰
سود باشد، پیدا
شود. در نتیجه
پیگیری مذاکرات،
قرارداد الحاقی در
۲۶ تیر ۱۳۲۸ توسط
گس و گلشائیان
امضا شد. در مقدمه
قرارداد آمده بود:
«نظر به قرارداد
(که در این قرارداد،
قرارداد اصلی
نامیده می‌شود)
منعقد در تاریخ
۲۹ آوریل ۱۹۳۳
بین دولت شاهنشاهی
ایران از یک طرف و
کمپانی نفت انگلیس
و ایران محدود از
طرف دیگر که به
موجب آن امتیازی
برای تنظیم روابط
بین طرفین مذکور
در فوق برقرار
گردیده است و نظر
به ملاحظه تغییراتی
که در نتیجه جنگ
جهانی ۱۹۴۵-۱۹۳۹
اوضاع اقتصادی
حادث شده، مزایای
مالی که طبق قرارداد اصلی
به دولت تعلق می‌گیرد،
بایستی به میزان و
به ترتیب آتی‌الذکر
افزایش یابد و نظر
به اینکه طرفین برای
تأمین این منظور
موافقت نموده‌اند
که قرارداد الحاقی
منعقد نمایند علی‌هذا
بین دولت شاهنشاهی
ایران و کمپانی نفت
انگلیس و ایران محدود
به شرح زیر موافقت
می‌شود. این قرارداد،
قرارداد الحاقی است و
جزء لاینفک قرارداد اصلی
محسوب می‌شود.»

طبق شرایط این قرارداد، حق امتیاز به ازای هر تن باید از ۴ به ۶ شیلینگ در هر تن افزایش می‌یافت. مشکل محدودیت سود ۲۰ درصدی با این شرط که شرکت یک پرداخت سالانه اضافی به دولت ایران پرداخت کند، دور زده شد. علاوه بر این، پرداخت سالانه باید با نرخ استاندارد مالیات بر درآمد بریتانیا جمع شود. همچنین مقرر شد شرکت طرف ۳۰ روز پس از زمان لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه الحاقی ۵۰،۹۰،۹۰۹،۹۰۹ پوند استرلینگ (۲۱،۸۹۰،۹۰۸ دلار) به دولت ایران بپردازد. در نهایت، توافق شد که شرکت تخفیف‌های خود را در قیمت محصولات فروخته شده در داخل ایران افزایش دهد.

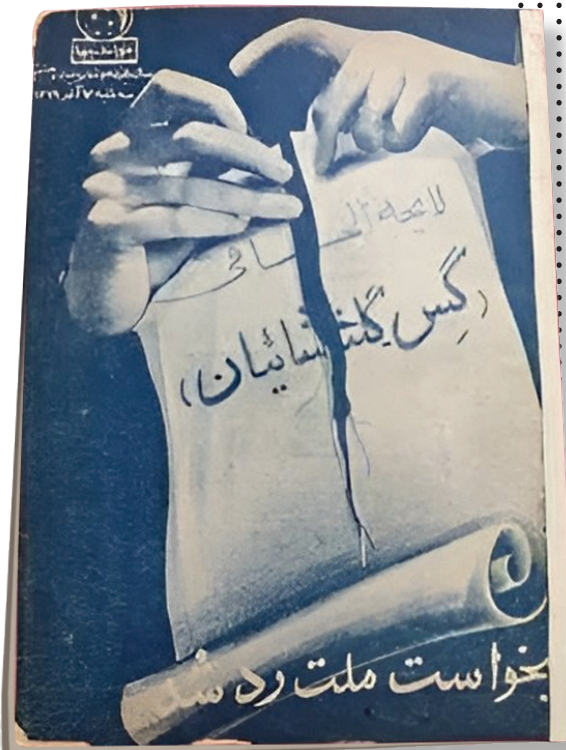
توافق گس و گلشائیان

با تلاش برای ترور شاه در دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، سایه بزرگی بر مذاکرات بعدی افکنده شد. از آنجایی که فردی که مرتکب ترور شد، با حزب توده طرفدار شوروی مرتبط بود، این حزب ممنوع‌الفعالیت شد و شاه اختیارات قانون اساسی بیشتری به دست آورد. در مذاکراتی که از ۲۴ بهمن ۱۳۲۷ آغاز شد، عباسقلی گلشائیان وزیر دارایی، بر الزام دولت ایران به انطباق با ماده واحد قانون ۹ مهر ۱۳۲۶ که سیاست نفتی ایران اکنون حول آن می‌چرخد، تأکید کرد. او خواستار تغییر اساسی در روش‌های پرداخت حق‌الامتیاز شد و اعتراض کرد که این روش‌ها با سایر کشورهای تولیدکننده نفت مقایسه شده است. نخست‌وزیر، محمدساعده مراغه‌ای، خواستار پذیرش فوری اصل ۵۰-۵۰ تقسیم سود شد. گس نیز به مقامات در لندن هدشار داد که اگر کاری برای برآورده کردن تقاضای ۵۰-۵۰ انجام نشود، ممکن است مذاکرات به بن‌بست ختم شود. پیشنهاد لندن این بود که راه حلی ممکن است با تفکیک منافع شرکت در ایران از منافع آن در جاهای دیگر از طریق تشکیل یک شرکت تابعه جدید که فعالیت‌های آن محدود به ایران و مشمول تقسیم ۵۰-۵۰ سود باشد، پیدا شود. در نتیجه پیگیری مذاکرات، قرارداد الحاقی در ۲۶ تیر ۱۳۲۸ توسط گس و گلشائیان امضا شد. در مقدمه قرارداد آمده بود: «نظر به قرارداد (که در این قرارداد، قرارداد اصلی نامیده می‌شود) منعقد در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ بین دولت شاهنشاهی ایران از یک طرف و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود از طرف دیگر که به موجب آن امتیازی برای تنظیم روابط بین طرفین مذکور در فوق برقرار گردیده است و نظر به ملاحظه تغییراتی که در نتیجه جنگ جهانی ۱۹۴۵-۱۹۳۹ اوضاع اقتصادی حادث شده، مزایای مالی که طبق قرارداد اصلی به دولت تعلق می‌گیرد، بایستی به میزان و به ترتیب آتی‌الذکر افزایش یابد و نظر به اینکه طرفین برای تأمین این منظور موافقت نموده‌اند که قرارداد الحاقی منعقد نمایند علی‌هذا بین دولت شاهنشاهی ایران و کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود به شرح زیر موافقت می‌شود. این قرارداد، قرارداد الحاقی است و جزء لاینفک قرارداد اصلی محسوب می‌شود.»

رد توافقنامه در مجلس

موافقتنامه الحاقی توسط دولت مساعد به مجلس ارائه شد و قبیل از بحث در جلسه علنی در کمیته‌ای تصویب شد. مظفر بقایی، امیر تیمورکلایی و عبدالحسن حائری‌زاده، مخالفان سرسخت دولت و همچنین حسین مکی، با سخنرانی جنجالی به مخالفت با آن برخاستند و تمام تلاش خود را برای به تعویق انداختن روند رسیدگی انجام دادند.

کاظم حبیبی، نماینده مجلس شورای ملی در دوره شانزدهم و هفدهم در گفت‌وگو با باقر عالیخانی نقل می‌کند: «در حدود سه چهار ماه زحمت کشیدم و بیلان



مجلس خاندانی‌ها پس از رد لایحه الحاقی، تیزتر: بخواست ملت رد شد.